

دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه در رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع: مسائل ترجمه با

نقد و بررسی ترجمه‌های نهای البلاغه

به راهنمایی استاد ارجمند جناب آقای

دکتر علوم مقدم

دانشگاه

علی ابراهیم غایب

۱۳۷۲

---

۲۵۹۲.

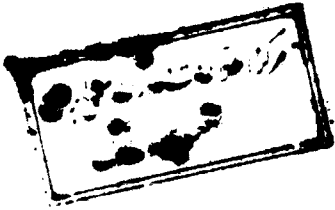
۵

1997

۲۴۵۱۲

علائم اختتامی

۱۳۷۸ / ۴ / ۱۱



- بک : برگزیده کلام علی (ع)
- خ : خطبه
- س : سوره
- ش : ترجمه نهج البلاغه شهیدی
- صص : صفحات
- غک : غریب کلام علی (ع)
- ف : ترجمه نهج البلاغه فیض الاسلام
- م : ترجمه نهج البلاغه مبشری
- ن : نسخه
- نا : نامه
- ن دیگر : نسخه های دیگر
- ن مش : نسخه دکتر شهیدی
- ن ف : نسخه فیض الاسلام
- ن م : نسخه مبشری
- نج : ترجمه قرن پنجم به تصحیح دکتر جوینی
- ن نج : نسخه قرن پنجم به تصحیح دکتر جوینی
- یه : آیه
- ← : رجوع کنید

۲۵۹۲۰

## مقدمه

## فصل اول : پیرامون ترجمه

## بخش اول

- ۱ - ۱ ترجمه چیست ؟ ۱
- ۲ - ۱ ترجمه شناسی و جایگاه آن در مطالعات زبانی ۲
- ۳ - ۱ مطالعات توصیفی ترجمه ۶

## بخش دوم

- تاریخچه ترجمه و ترجمه شناسی ۹
- ۱ - ۲ تاریخچه ترجمه و ترجمه شناسی در غرب ۹
- ۲ - ۲ ترجمه و ترجمه شناسی در جهان اسلام ۱۹
- ۱ - ۳ - ۲ ترجمه در ایران ۲۹
- ۲ - ۳ - ۲ ترجمه از زبانهای اروپایی به فارسی ۳۵

## بخش سوم

- ۱ - ۳ تفاوت نگرشی سنتی با دیدگاه نوبه زبان و ترجمه ۳۹
- ۲ - ۳ اصل تاثیر برابر ۴۳
- ۳ - ۳ مفهوم امانت ۴۵
- ۴ - ۳ واحد ترجمه ۴۸

## بخش چهارم

- ۱ - ۱ - ۴ هدف ترجمه ۵۴
- ۲ - ۱ - ۴ معنی چیست ؟ ۵۵

مفحه	عنوان
۵۷	۴-۲-۱- تعادل چیست و در چه سطوحی جستجو می‌شود؟
۶۱	۴-۲-۲- واژگان
۶۱	۴-۲-۳- ساختار
۶۲	۴-۲-۴- بافت
۶۲	۴-۲-۵- معنای جمله و مفهوم کلام
۶۳	۴-۲-۶- پیش تصورات
۶۳	۴-۲-۷- گونه‌های زبانی
۶۴	۴-۲-۸- تاثیر ادراکی
۶۴	۴-۲-۹- تاثیر ادبی
۶۴	۴-۳-۱- انواع معادل
۶۶	۴-۳-۲- معادل متنی، معادل صوری، معادل طبیعی
	بخش پنجم
۷۳	۵-۱- تغییرات ترجمه‌ای
۸۰	۵-۲- عوامل ترجمه
۸۳	۵-۳- مراحل ترجمه
۹۲	۵-۴- ابهام در ترجمه
	بخش ششم
۹۵	۶- شرایط مترجم
	بخش هفتم
۱۰۱	۷- انواع ترجمه

صفحه	عنوان
۱۱۴	فصل دوم : پیوندهای زبان فارسی و عربی
	فصل سوم : نهج البلاغه
۱۳۴	الف ) پیرامون تالیف نهج البلاغه
۱۴۶	ب ) شرحها و ترجمه‌های نهج البلاغه
	فصل چهارم : نقد ترجمه‌های نهج البلاغه
۱۴۹	الف ) اولین گام بایسته در ترجمه نهج البلاغه
۱۵۱	ب ) فایده انس با متون در ترجمه نهج البلاغه
	ج ) نقد زیبا شناختی ترجمه‌های نهج البلاغه
۱۵۶	— بحثی در الگوهای آوایی و نقد آن در ترجمه‌های نهج البلاغه (سجع ، قافیه و نقد آن در ترجمه‌های نهج البلاغه)
۱۷۸	— ترجمه صنایع ادبی
۱۸۱	— استعاره
۱۸۲	— استعاره در ترجمه‌های نهج البلاغه
۲۰۱	— مجاز
۲۰۸	— کنایه
۲۱۹	— ضرب المثل
۲۲۶	— اختلاف فرهنگی
۲۳۷	د ) باستانگرایی زبانی
۲۴۱	— در سطح واژه
۲۴۵	— در سطح دستور زبان
۲۵۲	ه ) نقد دستوری ترجمه‌های نهج البلاغه

صفحه	عنوان
۲۵۲	الف ( آرایشهای معنی‌دار
۲۶۱	ب ( تناظر دستوری ترجمه‌های نهج البلاغه
۲۶۹	ج ( وجه افعال
۲۷۴	د ( ساختهای فعلی
۲۸۲	ه ( قواعد ارجاعی
۲۸۳	— ضمیر
۲۸۷	— موصول
۲۸۹	و ( دستگاه شمار
۲۹۵	ز ( سهو در بکارگیری عناصر دستوری
۲۹۸	ح ( تاکید کلام
۳۰۷	و ( نقد معنایی
۳۱۱	— در نظر نگرفتن حساسیت واژه
۳۱۲	— برابر گذاری کلیشه‌ای
۳۲۳	— معادل نادرست
۳۲۸	— معادل‌های نامانوس
۳۳۰	— مسامحه در میان مترادفات
۳۴۰	— معنی ضمنی واژگان
۳۴۱	— اختلاف حدود معنایی واژگان غرضی
۳۵۱	— هم‌نشینی کلمات
	ز ( طول ترجمه

صفحه	عنوان
۳۵۶	— افزایش
۳۵۸	— شیوه‌های افزایش در ترجمه‌های نهج البلاغه
۳۷۶	— کاهش
۳۸۴	ح ( تعادل در گونه‌های زبانی
۳۸۵	— گویش زمانی
۳۸۹	— سبک
۴۱۰	ط ( موازین نگارشی
۴۱۴	ی ( خطاهای محض
۴۱۹	— فهرست تفصیلی منابع وماخذ

(يك)

### به نام خداوند جان و خرد

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی  
حفظ زبان به عنوان مهمترین عامل پیوند ملی، امری است که از دیر باز مورد توجه قرار  
گرفته و امروزه نیز بر آن تاکید می شود و برغم شعار جهان واحد، کشورهای صاحب نام دنیا در حفظ  
زبان خود به عنوان هویت ملی، نهایت اهتمام را دارند.

نیاکان ما نیز با دریافت این مهم و تدارک آن، در بحرانهای سخت تاریخی همچون تسلط  
اسکندر، اعراب، اقوام ترک و مغول، خطر از هم پاشیدن استقلال ایران زمین را دفع کرده  
و این امانت بزرگ را به ما سپردند. اما خطرهایی که زبان را تهدید می کند همواره به یک  
صورت نیست. روزگاری تسلط سیاسی کشورها مهمترین خطر برای زبان و هویت قوم مغلوب  
به شمار می رفت اما امروز پشتهای فرهنگی است که تکلیف زبانها را مشخص می کند. از آنجا  
که حیظه فرهنگ به معنای عام کلمه به اندازه جامعه بشری گسترده است، مهمترین فرایند  
زبانی عصر حاضر "ترجمه" است. اگر متون زبانهای مختلف به زبانی ترجمه شود، آن زبان  
کاملترین زبانها و اهل آن با هویت ترین ملتهاست، دنیا در اختیار اوست و راه ترقیش هموار.  
اما در کنار این امر سوالات مهمی نیز وجود دارد:

— کدام ترجمه؟

— اولویتهای ترجمه؟

و .....

اینها مهمترین سؤالاتی هستند که امروزه زبانهای مختلف دنیا و از جمله زبان فارسی  
با آن روبه روست، زبانی که همگان آن را "قند پارسی" می گویند و به لحاظ امکانی از قویترین  
زبانهاست، اما در تب و بحران جدید سخت می سوزد و دستان من و تو را به کمک می طلبد. در این



سالها سرد که جوانه‌های پیشرفتمان خشکیده و شکوفه‌های اعتلایمان در گلخانه‌های مغرب می‌شکفند، چگونه باید رویش این دشت پهناور را اثبات کنیم. باری اگر خانه ماسوت و کور است، گلی از همسایگان به وامی گیریم تا بهار ما نیز آرام آرام فرارسد و این همان ترجمه‌است ترجمه‌ای که با همه زیباییهایش می‌تواند زبان ما را تخریب کند، ارتباطهای ما را مختل سازد و پیوند ملی ما را بگسلد.

متأسفانه در کشور ما به‌علت عدم انسجام ساختار علمی و دانشگاهی، موفقیت عملی ما در تقویت زبان ملی چشمگیر نبوده است. این بدان جهت است که مدعیان حفظ زبان فارسی یعنی ادیبان و زبان‌شناسان یکدیگر را در حد "سلام‌علیک" می‌شناسند و تلاشهای ایشان در دو شاخه جداگانه است و به جوی اندرون آب زبان فارسی با درنگ. در این آشفته بازار، مترجمان جویای نان چنان آب زبان فارسی را بردند که ترکان خون یغما را.

نگارنده به جهت رسالتی که در مقابل زبان، فرهنگ و پیوند ملی احساس می‌کند، موضوع پایان‌نامه خویش را "نقد و بررسی ترجمه" قرار داد و در این راه به تناسب رشته دانشگاهی و آشنایی نسبی با زبان عربی به نقد و بررسی ترجمه‌های "نهج البلاغه" پرداخت، کتابی که نزد ادیبان مقامی والا دارد و در عین حال مورد احترام مسلمانان بطور عام و ایرانیان بطور خاص می‌باشد و از این جهت نیز نهج البلاغه می‌تواند عامل پیوند ملی ما باشد چرا که مذهب از ارکان پیوند اقوام است.

هرچند که این ناچیز در این کار از نظریات بزرگترین صاحب نظران فن ترجمه بهره گرفته است، اما نبود يك اثر مستقل در نقد جامع ترجمه به عنوان الگوی کار، کاستیهایی را باعث شده است که به‌همان دلیل توجیه پذیر است، مضافاً این گله را نیز از ساختار دانشگاهی دارد که با آنکه پیوند زبان فارسی با زبان عربی بسیار بیشتر و مهمتر از پیوند زبان فارسی

وزبانهای دیگر است ، جای زبانشناسی تطبیقی فارسی و عربی و زیرمجموعه‌های آن در برنامه گروه‌های زبانشناسی تقریباً خالی است ، و این خود انگیزه دیگری برای اینجانب در انتخاب موضوع بوده است .

این دانشجوی بی تجربه با شهامتی که بیشتر از جهل او سرچشمه می‌گیرد تا علم او به نقد چند ترجمه نامدار نهج البلاغه پرداخته است که در این کتاب به نامهای "ش" ، "م" ، "ف" ، "نص" و "نج" نامگذاری شده‌اند . از این میان ترجمه "ش" ( شهیدی ) برنده جایزه کتاب سال ۱۳۶۹ می‌باشد و به لحاظ صورت کلام از دیگران ممتاز است . ترجمه "م" نیز از ترجمه‌های خوب نهج البلاغه و نمونه یک ترجمه دانشگاهی دهه پنجاه می‌باشد . ترجمه "ف" هم نمونه یک ترجمه حوزوی معاصر است که "نص" تقلیدی از آن محسوب می‌شود . ترجمه "نج" نیز قدیمترین ترجمه نهج البلاغه و در عین حال از قدیمترین ترجمه‌های عربی به فارسی است که ترجمه‌ای تحت اللفظی و بیشتر لفظ به لفظ حساب است .

نگارنده در تصنیف حاضر ، ابتدا نظریات صاحب نظران فن ترجمه را مورد مطالعه قرار داده و فصلی از کتاب را نیز به ترجمه، تاریخچه و نظریات پیرامون آن اختصاص داده است ، تا پاسخگوی مهمترین سؤالاتی که در ذهن خواننده پدید می‌آید باشد .

فصل دوم رساله اختصاص به پیوندهای زبان فارسی و عربی دارد که بیان مجملی در این خصوص ضروری به نظر می‌رسید .

فصل سوم نیز سخن کوتاهی در شناخت نهج البلاغه ( تالیف ، شبهات پیرامون آن و شرحها و ترجمه‌ها ) می‌باشد .

فصل چهارم نیز نقد پنج ترجمه مذکور می‌باشد که عنوان اصلی رساله می‌باشد .

این آخرین دانشجویان ، بسیار علاقه‌مند بود تا با آرا و نظریات زبانشناسان مکتب

## (چهار)

ترجمه کشورهای هلندی زبان که ترجمه را شاخه‌ای از ادبیات تطبیقی می‌دانند، بیشتر آشنا شود، اما به علت عدم دسترسی به کتابهای لازم، موفق بدین کار نشد. در هر حال اهم مواردی که در رهگذر "نقد ترجمه‌های نهج البلاغه" درباره "ترجمه ادبی" به ذهن اینجانب رسیده عبارتند از:

- ۱- زبان در آثار ادبی سنگینتر از حالت عادی آن به کار گرفته می‌شود که این حالت متناسب با نوع و مورد نوسان دارد. این امر شامل کلیه سطوح زبان اعم از واژگان دستور زبان و عوامل زنجیری و زبر زنجیری می‌شود.
- ۲- به جهت سنگین بودن زبان در آثار ادبی، دیدگاه فقه‌اللغوی در ترجمه‌ای ادبی تا اندازه‌ای اهمیت پیدا می‌کند، اگر چه در حالت "کاربردی" باطل است.
- ۳- تقسیم بندی سنتی آثار ادبی، بر اساس صورت به "متون نظم" و "متون نثر" نمی‌تواند مبنای درستی برای قرار گرفتن آنها در ردیف "شعر" یا "نثر" باشد. بنابراین انتخاب معیارهای ترجمه در هر مورد به باز شناختن متن با دیدگاههای علمی جدید باز بسته است.
- ۴- انس با متون ادبی و نیز ذوق سلیم شرط لازم برای مترجمان آثار ادبی است و در این مورد به خصوص برآشنایی مترجم با متون ادبی زبان ترجمه (مقصد) تاکید می‌شود.
- ۵- نقش صنایع ادبی در زبانهای مختلف یکسان نیست، بسا که يك صنعت ادبی در سازمان ادبی يك زبان، نقش وسیعتری از معادل صوری خود در زبان دیگری داشته باشد، همانند: نقش استعاره عربی نسبت به استعاره فارسی، و نیز ممکن است معادل واقعی يك صنعت در زبان دیگر صنعتی دیگر باشد.
- ۶- ارزش صنایع ادبی در طول زمان تغییر می‌کند، بنابراین در ترجمه خصایص سبکی باید این امر در زبان ترجمه مورد توجه قرار گیرد تا برداشت زیبا شناختی زنده باشد.

(پنج)

۷- طول ترجمه به جهت حفظ سبک کلام در ترجمه آثار ادبی حایز اهمیت است .

۸- دیدگاههای بلاغی در مورد الفاظ باید مورد عنایت قرار گیرند .

و ...

از آنجا که نگارنده در نقد ترجمه‌های نهج البلاغه بر آن بوده تا خوانندگان با قوانین ترجمه آشنا شوند و پس از مطالعه اثر قادر به نقد دیگر ترجمه‌ها باشند ، نقد را به صورت قاعده‌ای انجام داده و بسطیه بسامد توجه زیادی نکرده است .

بی‌تردید اگر راهنماییهای استاد گرانمایه ارجمند جناب آقای دکتر علوی مقدم - که مقام علمی و تسلط مشارالیه بر زبان عربی و فارسی و مسائل آن بر کسی پوشیده نیست - نمی‌بود ، حتی برگی از این تالیف به نقش قلم آراسته نمی‌گشت . مشورت‌هایی که با استاد بزرگ مقصدار گرامی جناب آقای دکتر جاوید داشتیم در شکل‌گیری این رساله نقش بسزایی داشت . استاد زبان‌شناس فرزانه و بلند نظر جناب آقای دکتر جهانگیری با راهنماییهای بی‌شایبه خویش ستاره وادیهای تاریخ بودند و با آشنا کردن اینجانب با دیدگاههای علمی ، سهم بزرگی در تدوین این رساله دارند .

چنانکه موفقیتی در این نامه باشد از دم مسیحایی استادان گرانقدرم می‌باشد و اگر کاستی

است نسبت آن با این شاگرد ناچیز است :

**هرچه خود خوبست تصویر شماست      و ربدی باشد هم از آینه هاست**

در پایان مراتب تشکر خود را از پدر و مادر ارجمند که با حمایت بی‌دریغ خویش آرامش خاطر مرا حفظ کردند ، ابراز می‌دارم . از همسر فداکارم که در طول سالهای گذشته با تحمل بدترین مشکلات مشوق من بودند ، متشکرم . از یکایک برادران ارجمندم بویژه آقایان علی اشرف سام خانیانی و علیرضا بذرفروش که تشویق و حمایت ایشان تا آخرین لحظات تهیه رساله

(شش)

دمساز من بود سپاسگزارم . از دوستان ارجمند آقایان عظیم فروندی ، محمدحسن قرشی و دکتر  
قوام کمال تشکر را دارم همچنین مراتب قدردانی خود را از کارکنان کتابخانه دانشکده ادبیات ابراز  
می‌نمایم .

امید آنکه دوستان و خوانندگان گرامی سهوا و لغزشهای موجود را به دیده عفو و اغماض

بنگردند و اینجانب را از نظریات صایب خویش محروم ندارند .

علی اکبر سام‌خانیانی

مشهد - پاییز ۱۳۷۲

## ۱-۱ ترجمه چیست ؟

ترجمه فرایندی است یکسویه که از جهت زبان اصلی يك اثر يا يك گفتار شروع و به جهت ديگر يعنى ترجمه منتهى مى شود. زبان‌شناسان و استادان فن تعاریف مختلفی از آن به دست داده‌اند که برخاسته از نگرشها و دیدگاههای مختلف است. ناید<sup>۱</sup> و تابرا<sup>۲</sup> در کتاب " ترجمه در نظریه و عمل ( ۱ ) " در تعریف ترجمه آورده‌اند:

" ترجمه عبارت است از بازآفرینی نزدیکترین معادل طبیعی پیام

زبان اصلی ( مبدا ) در زبان ترجمه ( مقصد ) ( ۲ ) "

جی. سی. کتفورد<sup>۳</sup> در تعریف ترجمه می‌گوید:

" ترجمه فرایندی است که طی آن مواد متنی بافتی زبان مبدا ،

جای خود را به مواد متنی معادلش در زبان مقصد می‌دهد. ( ۳ ) "

پل والسری<sup>۴</sup> در تعریف آن آورده است :

" ترجمه عبارت است از بازسازی عین تاثیر يك علت خاص ( متن-

اصلی ) از طریق علتی دیگر ( ترجمه ) ، تا آنجا که ممکن باشد. ( ۴ ) "

ورنر وینتر<sup>۵</sup> ترجمه را چنین تعریف می‌کند:

" ترجمه کوششی است در جهت جایگزینی يك تجربه و یا فرمول خاص

از جهان اطراف به زبانی دیگر. ( ۵ ) "

- 1-Evgene. A. Nida
- 2-Charles. R. Taber
- 3-G. C. Catford
- 4-Paul. Valery
- 5-Werner. Winter

کوروش صفوی در این باره می‌گوید:

" ترجمه عبارت است از برگردان متن از زبان مبدا به زبان مقصد

بدون کوچکترین افزایش و کاهش در صورت و معنا. (۶) "

به نظر اکثر زبان‌شناسان کاملترین تعریف ترجمه بدون آنکه تعریفهای دیگر انکار شوند همان است که نایدا و تابر به دست داده‌اند. در نظریه نایدا و تابر " بازآفرینی نزدیکترین معادل طبیعی " اول از جهت مفهوم است سپس به لحاظ سبک (۷)، و "طبیعی بودن ترجمه " در دیدگاه ایشان، بدین معنی است که متن ترجمه شده نباید رنگ و بوی صوری متن اصلی (مبدا) را -که خصوصیت بیشتر ترجمه‌های سنتی است- داشته باشد (۸)، و نیز منظور ایشان از " نزدیکترین معادل طبیعی " آن است که مترجم باید معادلی پویا در وضعیت کاربردی آن انتخاب کند (۹).

" روزنبرگ<sup>۱</sup> نظریه پرداز قرن بیستم، سعی داشت که نگرش و رمانتیستها را درباره ترجمه مطرح سازد. وی معتقد بود که مفهوم نوین ترجمه که بر انتقال ترکیبی از صورت و محتوا استوار است، اشتباهی بیش نیست زیرا آنچه که از این طریق به دست می‌آید، حتی در نهایت صحتش چیزی نیست جز توضیح مطالب متن اصلی توسط مترجم، نتیجه آنکه، آنچه که موجب تازگی و الهام بخشی متن مترجم می‌شود، انتقال صورت و محتوا نیست بلکه جامعیت آن است به جای پراکندگی. (۱۰) "